

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لئونید ساوین (Savin Leonid)

برگردان از: ا. م. شیری

۰۹ جولای ۲۰۱۳

درسهای لیبیا و جهاد در خاورمیانه

در سال ۲۰۱۱ قدرتهای غربی عضو ناتو علیه لیبیا به تجاوز دست زدند که نه فقط به نابودی جسمی معمر قذافی، بلکه، به انحلال دولتمداری لیبیا منجر شد و حتی باعث گسترش جهاد در خاورمیانه گردید. قتل سفیر امریکا در بنغازی نیز درسی نشد برای آن دسته از قدرتهای غربی که سرسختانه مشی حمایت از گروهبندهای مسلح ضد دولتی در سوریه و سقوط دولت سوریه را در پیش گرفته اند...

ارزیابی های هوشیارانه، که مؤلفان آنها عواقب جنگ در لیبیا را از نقطه نظر خطر تکرار سناریوی لیبیا مورد بررسی قرار می دهند، در این فضای سیاسی به ویژه شایسته تأمل است. از جمله، اخیراً، مؤسسه المانی بررسی سیاست و امنیت بین الملل (Stiftung Wissenschaft und Politik- SWP) که دستور کار سیاست خارجی صدر اعظم المان را تدوین کرده و مرکز مطالعات استراتفور (امریکا) چنین تحلیل و بررسی را ارائه دادند.

مؤسسه بررسی سیاست و امنیت بین الملل گزارشی را تحت عنوان «خطوط گسست از انقلاب. بازیگران سیاسی، اردوگاهها و مناقشات در لیبیای جدید» منتشر ساخت^(۱). نتیجه گیری عمومی این سند چنین است، که لیبیا امروز نمونه کامل یک کشور خارج از کنترل با حداقل قدرت حاکمیت مرکزی در تریپولی می باشد.

در کنگره ملی لیبیا در کنار نمایندگان اخوان المسلمین و دیگر اسلامگرایان افراطی فقط نمایندگان گروهبندهای طایفه ای و قبیله ای تمثیل می شوند. مفتی صادق القریانی، که تحت حمایت قطر می باشد و در سال ۲۰۱۲ به ریاست سازمان جدید دارالافتاء، مسؤول تفسیر قوانین اسلامی برگزیده شد، با نفوذترین شخصیت از میان اسلامگرایان به حساب می آید.

همانطور که از گزارش مؤسسه بررسی سیاست و امنیت بین الملل مستفاد می شود، مناطق وسیعی از بخشهای مرکزی لیبیا از کنترل تریپولی و بنغازی کاملاً خارج است و گروههای مسلح متخاصم بر سر تسلط بر آنها با هم رقابت می کنند. حاکمیت مرکزی از توانایی برقراری امنیت در شهرهای بزرگ و مناطق مرزی لیبیا برخوردار نیست. اداره استانها را شوراهای نظامی محلی تشکیل شده بر مبنای تقسیمات سنتی قبیله ئی به دست گرفته اند. هر یک از این شوراهای نظامی با انکار حق حاکمیت تریپولی، خود را «پاسدار انقلاب» می نامند. رقابت بین قبایل و گروهبندها جنبه حادی دارد و اغلب برای اعمال کنترل بر جریان قاچاق با هم می جنگند. جمع کل قاچاق اسلحه و مواد مخدر از مرزهای لیبیا به سرعت افزایش یافته، و مساعی ضعیف دولت مرکزی برای متوقف کردن این فعالیتهای جنائی در برابر مقاومت مسلحانه قاچاقچیان در هم می شکند^(۲).

تعقیب و آزار گسترده همه آنهایی که در دوره قذافی خدمت کرده اند، ادامه دارد. بر اساس گزارش گروه بین المللی بحران، هفت هزار نفر از شاغلان ساختارهای انتظامی رژیم سابق در زندانها به سر می برند که اغلب این زندانها، نه دولتی، بلکه، زندانهای خصوصی هستند. در میان زندانیان، تعداد زیادی از اتباع کشورهای خارجی وجود دارند، که به اتهام «همکاری با رژیم قذافی»، به عنوان مزدور به پشت میله های زندان انداخته شده اند.

روبرت کاپلان، از مرکز استراتفور می نویسد که، ساقط کردن قذافی به «تأثیر نظم دوم»- جنگ و هرج و مرج در کشور همسایه اش، مالی منجر گردید. «توارگهای مالی، که از قذافی پشتیبانی می کردند، به صورت جمعی از لیبیا به مالی گریختند، و همراه با آنها مقادیر معتابهی سلاح و پول به مالی انتقال یافت. توآرگها به سرعت مناطق صحرایی شمال مالی را که فاصله بسیار زیادی از پایتخت دارد، تصرف کردند... لیبیا اگر به این راه رفت، در حال حاضر، تجسم کامل یک فضای غیرقابل کنترل به حساب می آید...»^(۳) روبرت کاپلان عقیده دارد، که حتی استقرار واحدهای نظامی ۱۰۰ هزار نفری امریکا نتوانستند در عراق دمکراسی برقرار سازند، به ویژه نباید انتظار داشت در لیبیا، که جامعه مدنی به مفهوم غربی آن هیچ گاه در این کشور تشکیل نشده، دمکراسی برقرار شود. روبرت کاپلان پیشنهاد می کند نتیجه گیریهایش در مورد لیبیا را به مثابه یک هوشدار در مقابل تلاشها برای مداخله نظامی در سوریه در نظر بگیرند.

در گزارشات استراتفور همچنین گفته می شود، که «القاعده»^(۴) سعی می کند از بحران سوریه برای درگیر کردن آتش یک جنگ گسترده مذهبی بین سنی و شیعه در عراق- همسایه سوریه استفاده کرده، یک فضای وسیع جنکی که دامنه آن از عراق تا لبنان را در بر بگیرد، ایجاد نماید. از احساسات ضد شیعه و ضد سنی در عراق نه تنها القاعده، حتی الریاض نیز سوءاستفاده می کند. در این حالت، اگر سعودیها از جهادیهای سنی برای تضعیف ایران استفاده می کنند، خود جهادیها می دوارند در روند رو به تشدید مناقشات، به قدرت سیاسی بزرگی در سوریه و عراق تبدیل شوند^(۵). صرفنظر از آن که، بین فضای حرج و مرج «پس از انقلاب» در لیبیا، در سرزمینی که نظام دولتی آن از بین رفت، و چشم انداز غلبه نیروهای ضددولتی در سوریه وابستگی آشکاری وجود دارد، نه بروکسل، نه واشنگتن و نه لیبرالهای درون اپوزیسیون سوریه مصرانه نمی خواهند توجه داشته باشند، که ادامه تلاشها برای ساقط کردن دولت اسد چه پیامدهائی ناگواری خواهد داشت. سیاست غرب در رابطه با سوریه از مدتها پیش از دایره عقلانیت سیاسی خارج شده است.

منابع و زیرنویسها:

توجه! فقط زیرنویس ردیف ۴ از مترجم است.

(1) Wolfram Lacher. Fault Lines of the Revolution. Political Actors, Camps and Conflicts in the New Libya. SWP Research Paper. Berlin, May 2013.

(2) Commander of Border Guard Visits Those Injured in Attack on Tamanhant Base”, Quryna, 2 April 2013, www.qurynanew.com/50617.

(3) Robert D. Kaplan. Libyan Report Card // <http://www.stratfor.com/weekly/libyan-report-card?topics=305>

(۴)- هر گاه که صحبت از سازمان «القاعده» و اسلامگرایان افراطی مثل «جبهة النصرة»، «طالبان»، «اخوان المسلمین» و امثال آنها به میان میآید، بسیاری از تحلیلگران، سیاستمداران و کارشناسان جرایم و جنایات ارتكابی آنها را بحق و بدرستی، ولی جدای از امپریالیسم و نیروهای تروریستی تحت امر امپریالیسم مورد تحلیل و بررسی و تقبیح قرار داده، افشاء و رسوا می کنند. بنابر این، اشکال و ایراد اساسی این نوع نگرش به تندروان اسلامی عبارت از این

است که اغلب فراموش می شود که پدرخوانده، ولی نعمت و خالق همه آنها امپریالیسم جهانی، به ویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس هستند. نگاه مجرد و ناقص به چنین تشکلهای افراطی در واقع، یک نوع سعی و تلاش، شاید در اغلب موارد، عمدی و آگاهانه است برای خارج کردن سازماندهان و اربابان این دسته از سازمانهای افراطی. فلذا، در بحث و برخورد به سازمانهای افراطی مذهبی، اگر تاریخچه پیدایش و تشکیل آنها، مثلاً، اخوان المسلمین یا القاعده به ترتیب به وسیله انجمن صهیونیستی انگلیس و سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس و همچنین، عملکرد و اقدامات آنها در نظر گرفته شود، روشن می شود که همه آنها جزء تفکیک ناپذیر قوای مهاجم امپریالیسم و یا به عبارت صریحتر، عاملان و مزدگیران امپریالیسم و بخش مهمی از نیروهای جنگی آن هستند.

برای راستی آزمائی مدعای فوق، رجوع کنید به نشانی های زیر: صحنه های ثبت شده در این نشانیها به دست همان نیروهائی روی می دهد که با اسلحه و پول امپریالیسم، به فرمان «گله دوستان سوریه و لیبیا» و به نیابت از آن میجنگند.

<http://anna-news.info/node/1193>

<http://www.hafteh.de/?p=20240>

(5) Jihadists Seek a New Base in Syria and Iraq. Stratfor, May 28, 2013

<http://www.stratfor.com/analysis/jihadists-seek-new-base-syria-and-iraq>

<http://www.fondsk.ru/news/2013/06/28/urok-livii-i-dzhihad-na-blizhnem-vostoke-21309.html>

۱۷ تیر- سرطان ۱۳۹۲